

# اصول محاکمات جزائی و استرداد مجرمین

## دعوی عمومی

### موارد تعقیب

عمومی و خصوصی دارای اهمیت نمی باشد مثل جنبه های کوچک ( ماده ۴ قانون اصول محاکمات جزا ) و بعضی دیگر فقط از حیث جنبه خصوصی دارای اهمیت ولی موجب اختلال نظم جامعه نمی گردد ( مواد ۲۴۹ و ۲۴۹ مکرر قانون مجازات عمومی راجع بافشاء اسرار مربوطه باخترع و تجاوزاتی که نسبت بحق صاحب اختراع می شود ) .

ولی قانون گذار تعقیب دسته دیگری از جرائم را که از نظر جنبه عمومی و خصوصی هر دو مهم می باشد نیز موکول بشکایت مدعی خصوصی نموده است مثل جرائم مخالف عفت و اخلاق عمومی ( مواد ۲۰۷ و ۲۰۸ و ۲۰۹ و ۲۱۳ ) و جرائم افترا و توهین باشخاص عادی ( مواد ۲۷۱ و ۲۷۲ ) و توهین نسبت بر رئیس یا نماینده سیاسی يك کشور بیگانه در ایران ( قسمت دوم ماده ۸۱ قانون مجازات عمومی اصلاح شده در اردیبهشت ۱۳۱۰ ) .

چون تعقیب در این موارد منتهی برسوائی و هتك شرافت و حیثیت زیان دیده از جرم و خانواده او میگردد و موجب می شود که علاوه بر تحمل ضرر اصل جرم ضرر جبران ناپذیر دیگری را نیز متحمل گردد مقنن برای جلوگیری از چنین بی عدالتی و خصوصاً برای حفظ شئون و حیثیات زیان دیده از جرم و خانواده او تعقیب جزائی را موکول بشکایت او نموده است .

در مورد جرائم مز بوره همینکه زیان دیده اعلام جرم نمود دیگر مانعی برای تعقیب جنبه عمومی جرم باقی نمانده و در تعقیب یا عدم تعقیب مدعی العموم آزاد و مستقل میباشد ولی اگر زیان دیده علاوه بر اعلام جرم

## ب - مواردیکه مدعی العموم در تعقیب دعوای عمومی آزاد نیست

۲ - ازوم شکایت یا اخبار قبلی برای تعقیب دعوای عمومی - اصولاً انتظام جامعه و تأمین آسایش افراد ایجاب می کند که مدعی العموم بدون هیچ رادع و مانعی جرائم را تعقیب نماید لیکن قانون گذار بطور استثناء وبملاحظه بعضی علل و خصوصیات تعقیب جنبه عمومی بعض از آنها را که صریحاً نام برده موکول بشکایت مدعی خصوصی نموده است و مادامی که از طرف او شکایتی نشده است مدعی العموم نمیتواند آن جرائم را تعقیب کند ( ماده ۲۷۷ قانون مجازات عمومی ) .

قانون اصول محاکمات جزا پس از تقسیم امور جزائی بدو نوع اموریکه حیثیت عمومی آنها دارای اهمیت مخصوصی است و اموریکه دارای آن درجه از اهمیت نمیباشد تعقیب جرائم اول را بعهده مدعی العموم واگذار و امکان تعقیب جرائم نوع دوم را موکول بشکایت زیان دیده از جرم نموده است بطوریکه مدعی العموم نمیتواند بدون شکایت او اقدام بتعقیب نماید ( مواد ۵ و ۶ قانون اصول محاکمات جزا ) .

ملاك تشخیص و شناختن امور جزائی نوع اول از دوم با قانون است . در صورت سکوت قانون امر جزائی جزء نوع اول محسوب می شود و طبق اصول کلی مدعی العموم در تعقیب آن آزاد و مستقل خواهد بود .

فلسفه موکول نمودن تعقیب جرائم نوع دوم بشکایت مدعی خصوصی اینست که بعضی از آنها از حیث جنبه

مرتکب منوط بشکایت مدعی خصوصی است ایسکن استرداد آن دعوی عمومی را موقوف نمی کنند ( ماده ۵ قانون انتقال مال غیر مصوبه ۵ و ۸ فروردین ۱۳۰۸ ) .

در مورد جرم سرقت اگر مدعی خصوصی با متهم قرابت نسبی درجه اول و دوم یا سوم و یا قرابت سببی درجه اول یا دوم داشته باشد تعقیب با گذشت مدعی خصوصی موقوف می شود اگر چه میزان مال بیش از ۱۵۰ ریال بوده و عین و یا قیمت آن نیز بصاحبش مسترد نشد باشد . ( ماده ۲۲۷ مکرر قانون مجازات عمومی ) .

هم چنین در مورد جرائم مربوطه با اعمال منافعی عفت اگر زنی در قید زوجیت دیگری است و مزاحمت نماید مدعی - العموم می تواند بدون شکایت شوهر که سمت مدعی خصوصی دارد متهم را تعقیب کند ( ماده ۲۱۲ قانون مجازات عمومی ) بطوریکه ماده ۲۷۷ قانون مجازات عمومی تصریح نموده است شاکی خصوصی می تواند پس از استرداد شکایت و موقوف شدن دعوی عمومی متهم را در محاکم حقوق تعقیب و مطالبه خسارت کند .

تقاضای خسارت نیز بنماید و سمت شاکی خصوصی بخود بگردد در این صورت مدعی العموم مکلف به تعقیب امر خواهد بود .

همان طور که امکان تعقیب جرائم موکول بشکایت مدعی خصوصی است دعوی عمومی نیز با استرداد شکایت از طرف او موقوف می شود مگر اینکه متهم سابقه محکومیت جزایی داشته باشد که در این مورد استرداد شکایت از طرف مدعی خصوصی مانع و مؤثر در تعقیب جنبه عمومی جرم نخواهد بود ( ماده ۲۷۷ قانون مجازات عمومی ) . مقنن مراتب فوق را کاملاً رعایت ننموده است . در بعضی از موارد شکایت مدعی خصوصی برای شروع تعقیب عمومی لازم است ولی دعوی عمومی با استرداد شکایت از طرف او موقوف نمی شود و برعکس در موارد دیگر شکایت مدعی خصوصی برای شروع تعقیب لازم نیست ولی اگر در ضمن تعقیب زیان دیده گذشت نماید دعوی عمومی موقوف میشود .

مثلاً در خصوص جرم انتقال مال غیر در صورتی که عمل قبل از تصویب قانون واقع شده باشد تعقیب جزایی

### تعقیب شونده

مرحله محاکمه ضرورت دارد تا اقامه دعوی بر او ممکن شود و محکمه بتواند محاکمه نموده حکم مقتضی را صادر نماید .

در مرحله تحقیقات ممکن است که متهم معلوم و مشخص نباشد این امر مانع اجرای تحقیقات و تفتیشات لازمه نباشد . مثلاً ممکن است که اعلام کنند جرم فقط از وقوع جرم و محل و تاریخ آن اظهار اطلاع نماید بدون اینکه مرتکب را معرفی کنند . در این صورت ضابطین عدلیه مکلف برسیدگی نوده و مجهول بودن مرتکب مانع تعقیب نخواهد شد .

اشخاصیکه در ارتکاب جرم شرکت نموده و مسئولیت جزایی دارند تعقیب می شوند .

۱- فقط اشخاص حقیقی مورد تعقیب واقع میشوند زیرا مجازات شخصی است و باید در باره اشخاص حقیقی مجری شود بنابراین نمیتوان شرکتهائیکه دارای شخصیت حقوقی و معنوی باشند جزاً محکوم نمود جز در بعضی از موارد مخصوص که محکومیت نتیجه مالی دارد ولی تعقیب جزایی مدیران و رؤساء شرکتهادر صورتیکه مرتکب جرمی شوند ممکن است .

۲- اشخاصیکه مورد تعقیب جزایی واقع میشوند باید معین و مشخص باشند . مشخص بودن متهم فقط در